



ساکنان محله مشهد قلی روزهای متفاوتی را در ۱۲ روز جنگ تحمیلی تجربه کردند

۵۴

همدلی، همراهی، همکاری



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

عرض کم خیابان ابوطالب ۵۷
گلایه اهالی را به همراه داشته است

۳ قفل شدن خودروها

دردسر هرروزه

اهالی قدیمی احمدآباد از ساخت حسینیه
و مسجد حجتی الندشت می گویند

۶ قصه وفاداری کاشانی ها به مسجد



کشتی گیر قدیمی محله فرامرزعباسی
خاطرات خوشی از روزگار جوانی اش دارد

۷ زور بازویی برای علم گردانی

همسایه به همسایه، دیدار نوزدهم، کوچه مطهری جنوبی ۱۸

کمک‌های هدفمند همسایه‌ها

میتراصدرا بیشتر ساکنان کوچه مطهری جنوبی ۱۸ اوایل دهه ۴۰ به اینجا آمدند، زمانی که خانه‌هایی ویلایی با سقف کاهگلی داشت. آشنایی هم محلی‌ها و همسایه‌ها در مسجد الزهرا (س) محله سعدآباد شکل گرفت و با کمک یکدیگر پایگاه بسیج شهید مفتاح را نیز در مسجد راه انداختند. یکی دیگر از کارهای مؤثر همسایه‌ها ایجاد مؤسسه خیریه یاوران جوادالائمه (ع) در محله است که سال ۱۳۸۹ کارش را شروع کرد و آن به بعد، کمک‌های همسایه‌ها به افراد نیازمند حاشیه شهر هدف دار شده است.

ایده‌ای برای دستگیری از نیازمندان

محمد حسین ابتدایی ۵۷ سال پیش ساکن این معبر شد. او پایگاه بسیج شهید مفتاح را در مسجد راه انداخت و از همان روزهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جوانان محله را پای کار آورد تا در گشت‌های شبانه همراهش باشند. همسایه‌ها تلاش‌های بی‌وقفه او را برای آبادانی محله و برقراری امنیت از یاد نبرده‌اند؛ کسی که برای رضای خدا کار کرده و توقع و چشمداشتی نداشته است. همیشه حواسش به همه همسایه‌ها و کارهای محله بوده است. بعد از راه اندازی پایگاه بسیج، او با همکاری محلی‌ها و همسایه‌ها خیریه یاوران جوادالائمه (ع) را در سال ۱۳۸۹ راه انداخت. آقامحمد حسین که حالا ۸۱ سال سن دارد، همچنان پای کار است و می‌گوید: خدا را شکر ساکنان اینجا وضعیت مالی خوبی دارند. تا قبل از تأسیس خیریه کمک‌ها پراکنده بود اما بعد از آن همسایه‌ها هدفمند تر و با نظم بیشتری به افراد بی بضاعت شهر کمک می‌کنند. به گفته او از طریق این مؤسسه، نیازمندان حاشیه شهر را شناسایی کرده‌اند و حالا با کمک همسایه‌ها به تأمین بسته‌های معیشتی و پوشاک، تعمیر و بازسازی منزل و رسیدگی به سایر کمبودهای نیازمندان مشغول‌اند.

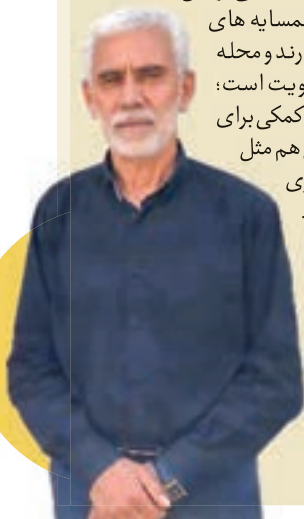


رفع مشکلات با کمک همسایه‌ها

آقامحمد حسین، همسایه‌اش، علیرضا رفیعی را معرفی می‌کند که پایش از سیزده سالگی به مسجد محله باز شده و زیر نظر خود او کارهای پایگاه بسیج و بعد هم امور مالی خیریه را جلو برده است. همسایه‌ها او را به اخلاص در عمل و صداقتش می‌شناسند. آقا علیرضا می‌گوید: یک ساله بودم که به اینجا آمدم و با بچه‌های محله بزرگ شدم. خوب یادم است که آقای ابتدایی ما جوان‌ها را جمع کرد و چوب دستمان داد تا شبانه گشت بزنیم و امنیت محله را تأمین کنیم. هنوز هم خیلی از جوان‌های سال‌های قبل در اینجا حضور دارند و با جان و دل برای محله کار می‌کنند. او یکی از خیران اصلی این مجموعه است و روی خوشش سبب شده است اگر همسایه‌ای مشکل داشته باشد، به او رو بزند تا گره از کارش باز شود. رفیعی ادامه می‌دهد: همه تلاشمان این است که گره از مشکل خانواده‌های نیازمند باز کنیم و این تنها با کمک خیران و همسایه‌ها محقق می‌شود. من هم مثل بقیه هر کاری در توانم باشد، برای پیشبرد اهداف مؤسسه انجام می‌دهم.

نکات تخصص برای محله

حمیدولی زاده همسایه بعدی است که آقا علیرضا او را معرفی می‌کند؛ کسی که کار خیر را از پدر و مادرش آموخته است و مثل آن‌ها هر کاری از دستش برآید، برای همسایه‌ها انجام می‌دهد. خانواده‌اش اوایل دهه ۴۰ به این محله آمدند و همه، آن‌ها را می‌شناسند. حمید آقا می‌گوید: پدر و مادرم در امور خیرالگوی من بودند. آن‌ها از هیچ کمکی برای همسایه‌ها دریغ نکردند؛ مثلاً مادرم در خانه را باز می‌گذاشت تا همسایه‌ها با خیال راحت بیایند و به فرزند یا همسرشان که در جبهه بود، زنگ بزنند. پدر هم بعد فوت مادر، زیر زمین خانه را در اختیار خیریه قرار داد تا کارها سرو سامان بگیرد. حمید آقا هم مثل بقیه اعضای خیریه هر کاری از دستش برآید، انجام می‌دهد. تعمیرات جزئی خانه یکی از این کارهاست. می‌گوید: همسایه‌های اینجا به هم اعتماد دارند و محله و همسایه برایشان اولویت است؛ برای همین از هیچ کار و کمکی برای هم دریغ نمی‌کنند، من هم مثل بقیه، در تعمیر و بازسازی خانه تخصص دارم. هر وقت خانه مددجو یا یکی از همسایه‌ها نیاز به تعمیر داشته باشد، با جان و دل کارشان را راه می‌اندازم.



۳۴ ایستگاه در منطقه ما برای عزاداران حسینی

۳۴ ایستگاه عزاداری در منطقه یک برپا شد. معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه با اعلام این خبر گفت: ایستگاه‌های صلواتی با استقبال شهروندان و گروه‌های جهادی با هدف تسهیل برگزاری آیین‌های محرم و توسعه فرهنگ عاشورایی در نقاط مختلف منطقه برپا شده‌اند تا ضمن ارائه خدمات، فضای معنوی محرم را تقویت کنند. همایون محمدیان فر ادامه داد: علاوه بر ایستگاه‌های عزاداری، به منظور آماده سازی فضاهای شهری، ۴۵۰ آویزی برآرتی، ۴۳۰ آویز ستونی و ۲ هزار متر ریسه نوری در معابر اصلی نصب شده است. وی همچنین از مشارکت تشکل‌های مردمی در نصب شصت سازه تبلیغاتی دوازده متری با مضامین عاشورایی خبر داد.



شهردار منطقه یک از اجرای ۲۶ هزار متر مربع روکش آسفالت طی ۲ ماه خبر داد

خدا حافظی با آسفالت فرسوده

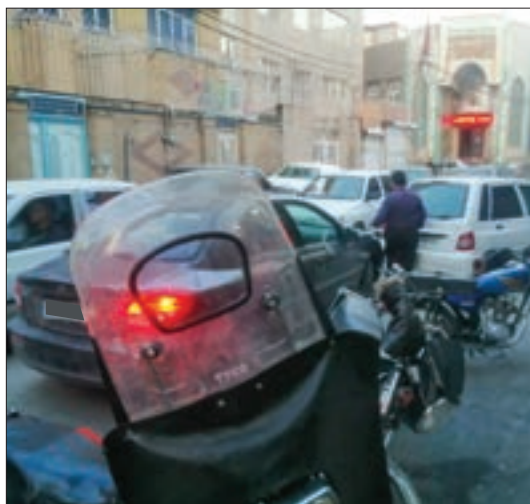
طرح روکش آسفالت در ۲۶ هزار متر مربع از معابر منطقه یک در اردیبهشت و خرداد سال جاری اجرا شد. شهردار منطقه یک با اعلام این خبر گفت: آسفالت معابر، یکی از نیازهای اصلی شهروندان است و وضعیت نامناسب آسفالت می‌تواند تأثیر منفی بر حمل و نقل، ایمنی و حتی زیبایی شهر داشته باشد.

محمود برهانی ادامه داد: بهسازی و تقویت روکش آسفالت معابر درون شهری عملیاتی است که با هدف بهبود و افزایش عمر مفید آسفالت اجرا می‌شود. به گفته وی از ابتدای اردیبهشت تا پایان خرداد، تعدادی از معابر با هدف ترمیم آسفالت فرسوده و در راستای فراهم آوردن رفاه حال اهالی این منطقه، در متراژ حدود ۲۶ هزار متر مربع با اعتباری بالغ بر ۱۳ میلیارد تومان به بهره‌برداری رسیده است.

برخی از معابر آسفالت شده طی این دو ماه، خیابان اصلی و فرعی هوشیار، خیابان اصلی و فرعی قرنی ۱۸، خیابان‌های فرعی شهید مهربان و خیابان تورج ۱۷ بوده است.

سامان‌دهی آب‌های سطحی «قائم (عج)» و «سناباد»

پروژه جمع‌آوری آب‌های سطحی شامل لوله‌گذاری و حفر کانال با هدف جلوگیری از آب‌گرفتگی در محدوده خیابان‌های سناباد و قائم (عج) در حال اجراست. معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه یک با اعلام این خبر گفت: این پروژه در راستای تکمیل شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی و رفع معضل آب‌فlood و هدایت روان آب‌های منطقه یک انجام می‌شود. سید علی اکبر انتظام ادامه داد: پروژه کانال‌آب‌های سطحی خیابان سناباد به طول ۱۲۰۰ متر و با اعتباری بالغ بر ۱۵ میلیارد ریال، پیشرفت فیزیکی هفتاد درصدی داشته است. وی افزود: اجرای کانال، جدول و کانال در خیابان قائم (عج) به طول ۱۱۰۰ متر، با پیشرفت فیزیکی ۹۰ درصدی به زودی به مرحله بهره‌برداری خواهد رسید.



عرض کم خیابان ابوطالب ۵۷
گلایه اهالی را به همراه داشته است

قفل شدن خودروها دردسر هرروزه

محسن قنبری، همسایه مسجد، می گوید: بیشترین گره ترافیکی رادر همین قسمت خیابان شاهدیم. اوضاع زمانی بدتر می شود که خودرویی نیز از روبه رو وارد شود؛ دیگر نه راه پس وجود دارد، نه راه پیش!

قنبری می افزاید: اهالی چند باری به صاحب خانه و ورود او به حریم خیابان اعتراض کردند. مالز شهرداری درخواست تخریب و عقب نشینی خانه ساخته شده را داریم. یاد و متر عقب نشینی، فضای کوچکی با زیر می شود و شاهد ترافیک کمتری خواهیم بود.

درخواست یک طرفه کردن خیابان

به گفته حاضران، بیشتر ترافیک این معبر را خودروهایی شکل می دهند که از سمت ایثارگران وارد می شوند و قصد رفتن به بولوار ابوطالب را دارند. علی جواد می گوید: ساکنان خیابان ایثارگران که قصد رفتن به محله ابوطالب و استفاده از صد متری را دارند، راه دیگری ندارند و ناچار باید از این خیابان استفاده کنند. شهروندان تنها راه پایان دادن به این ترافیک را یک طرفه کردن مسیر می دانند. جواد می افزاید: در این حالت خودروها می توانند از خیابان ابوطالب ۵۷ وارد و از خیابان مجاور آن خارج شوند.

تنظیم استشهادهای محلی

معاون فنی و اجرایی منطقه ۲ در پاسخ به این مشکل مردم می گوید: اهالی می توانند با جمع آوری استشهادهای محلی و درخواست کتبی برای یک طرفه کردن خیابان به شهرداری منطقه مراجعه کنند.

محسن قره خانی می افزاید: درخواست شهروندان از طریق سازمان ترافیک پیگیری و در صورت موافقت این سازمان، یک طرفه شدن خیابان انجام خواهد شد. شهرآرامحله پیگیر چند و چون عقب نشینی خانه سر راه معبر هست.

به گفته شهروندان ساکن این محدوده، ترافیک و صدای بوق زدن های مکرر رانندگانی که در ترافیک این خیابان گیر افتادند، تازگی ندارد و هرروز به گوش می رسد. زهر اشکوری، یکی از ساکنان، می گوید: خیابان ابوطالب ۵۷ یکی از ورودی های اصلی به محله ایثارگران به حساب می آید و به همین دلیل همیشه پر رفت و آمد و شلوغ است.

به گفته او بیشترین ترافیک در ساعات اولیه صبح و حوالی غروب آفتاب ایجاد می شود، یعنی زمانی که همه قصد رفتن از خانه و محله یا بازگشت به آن را دارند. شکوری ادامه می دهد: راننده ها زمان مواجه شدن با این ترافیک از روی کلافگی شروع به بوق زدن می کنند. اما این کار نه تنها فایده ای ندارد، ناراحتی و عصبانیت همسایه ها را نیز باعث شده است. ساکنان این خیابان چند باری به دلیل همین بوق زدن های زیاد به رانندگان تذکر داده و حتی درگیری کلامی پیدا کرده اند اما هیچ اثری نداشته است و کسی گوشش بد هکار نیست. شکوری با اشاره به کودکان، سالمندان و افراد بیمار ساکن منازل مجاور این خیابان می افزاید: آن ها چه گناهی کرده اند که باید روز و شب این سرو صدا ها را بشنوند؟

ورود به حریم خیابان

در ورودی خیابان ابوطالب ۵۷ که وسیع تر و بیش از ۶ متر است، ترافیک کمتری وجود دارد اما در محل مسجد ابوالفضل، خیابان ناگهان تنگ و باریک و حدود ۴ متر می شود؛ دلیل آن هم ساخت خانه ای روبه روی مسجد است که به گفته اهالی از حریم معمول تجاوز کرده و دو متر به داخل خیابان آمده است.

حسین برادران فرا خودروها پشت سر هم ایستاده اند و منتظر حرکت راننده جلوهستند. یکی از راننده ها که حساسی کلافه شده با بوق زدن های پشت سر هم به دنبال باز شدن ترافیک خیابان است. اما فایده ای ندارد. این جا خیابان ابوطالب ۵۷ (شهید موسوی تبار) واقع در محله ایثارگران است. شهروندان، کم عرض و دو طرفه بودن مسیر را دلیل این مشکلات ترافیکی می دانند و درخواست یک طرفه کردن معبر را دارند.



پاسخ بدون واسطه شهردار به مشکلات شهروندان

حسین برادران فرا هفته گذشته، ایوب انتخابی شرق، سرپرست سابق شهرداری منطقه ۲، همراه با معاون فنی و اجرایی منطقه، مسئول روابط عمومی، مسئول فنی و عمران و رؤسای نواحی در مرکز ۱۳۷ شهرداری حاضر شدند و در ارتباط مستقیم تلفنی به مشکلات مطرح شده توسط پنجاه نفر از شهروندان ساکن منطقه پاسخ گفتند. انتخابی به صورت مستقیم به سیزده پیام پاسخ داد که شامل موارد پیش رو بود.



مشکلات حوزه فنی و عمران

بیشترین مشکلات مطرح شده از سوی شهروندان در این حوزه، درباره جداول و آسفالت قدیمی و شکسته معابر محلات منطقه بود. تجمع آب باران در خیابان مطهری شمالی ۷۴، مشکل چاله های ایجاد شده در مسیر میدان امام حسین (ع) به سمت ابوطالب، فرسوده بودن آسفالت و جداول خیابان شهید صانع در محله امیرالمؤمنین (ع)، خاکی بودن خیابان شهید عجمی ۱۱ در محله جانباز، بهسازی آسفالت چراغچی ۵۰ تا ۵۲، تعمیر جدول پیاده رو در خیابان حسین باشی ۳ موضوعات و درخواست های مطرح شده در این حوزه بود.

مشکلات حوزه شهرسازی

شهروندان دومورد ساخت وساز غیرمجاز، یکی در خیابان کریمی ۲۶ و دیگری در عبدالمطلب ۵۲، چاوشی ۵ را مطرح کردند و خواستار توقف کار ساختمانی شدند.

حوزه خدمات شهری

انتشار بوی بد و ماندن آب در جوی خیابان مطهری شمالی ۱۷/۱ و نصب سطل ثابت زباله در میدان توحید برای جلوگیری از گذاشتن زباله توسط مغازه دارها در کنار خیابان و فضای سبز، مشکل و درخواستی در حوزه خدمات شهری بود که مطرح شد. همچنین یکی از شهروندان محله نوده از گذاشتن باکس زباله در زمین رها شده انتهای نجف ۸، شهید وطن خواه ۱۷ معترض و خواستار پیگیری موضوع بود.

درخواست های متفرقه

سامان دهی زمین بزرگ خاکی انتهای خیابان نجف ۸، فعالیت کارواش مزاحم در کامیاب ۵۴/۱ و تغییر پلاک ورودی کوچه حسین باشی یا همان عبادی ۱۸ به نام یکی از شهدا از جمله درخواست های متفرقه مطرح شده در این جلسه بود.

حوزه فضای سبز

شهروندان ساکن خیابان شهید چراغچی ۵۰ و ۵۲ خواستار سامان دهی زمین خاکی پارک خطی در حال ساخت و کاهش گرد و خاک آن شدند. رسیدگی به زرد شدن و کچلی درختان میدان توحید به سمت میدان شهدا نیز از دیگر مشکلات مطرح شده در حوزه فضای سبز بود.

پیگیری موضوع آسفالت شکسته

با توجه به افزایش درخواست ها درباره آسفالت قدیمی و جداول شکسته، شهرآرامحله در هفته های آینده، موارد مطرح شده در این جلسه را پیگیری خواهد کرد.

ساکنان محله مشهدقلی روزهای متفاوتی را در ۱۲ روز جنگ تحمیلی تجربه کردند

همدلی، همراهی، همکاری

۲



حمیده صفائی در تعرض اخیر رژیم صهیونیستی به کشورمان، گرچه به ظاهر یک نبرد نظامی بود، در پشت صحنه آن، اقدامات مدبرانه ای توسط نیروهای جهادی در گوشه و کنار کشور صورت می گرفت. همین اقدامات، در اوج تهدیدات دشمن، آرامش مردم را حفظ می کرد و نمی گذاشت خدمات رسانی به مردم روی زمین بماند. در محله مشهدقلی نیز همانند گوشه و کنار ایران، به همت جهادگران مسجدی، زندگی عادی مردم در جریان بود. مردم این محله ۴۷ سال تجربه جهادگری دارند؛ تجربه ای که از همان روزهای انقلاب کسب کرده اند و به تدریج از بزرگ ترها به جوانان و نوجوانان محله رسیده است و نتیجه اش شده همدلی در زمان هشت سال دفاع مقدس، همکاری و همراهی در روزهای سخت کرونا و حالا هم بودن در کنار هم در دوازده روز جنگ تحمیلی. البته جهادگران این محله کمک به کارتن خواب ها و فعالیت های عمرانی جهادی را هم در کارنامه شان دارند. این فعالیت ها به همت گروه جهادی شهید بصیر اجماعی شود که بارها اخبارشان را در همین نشریه نوشته ایم.



شیعه و بخشی از بازوهای انقلاب هستند؛ همان هایی که جزو مدافعان حرم بودند. این عضو کانون شهید بصیر با اشاره به اینکه طی سال ها اعتماد مردم جلب شده است، می گوید: مردم به ما اعتماد دارند و هر چه بود، به ما خبر می دادند و ما هم بلافاصله به پایگاه بسیج اطلاع می دادیم.

دغدغه معیشت در شرایط سخت

«برخی از ساکنان محله ما وضعیت اقتصادی خوبی ندارند. به این فکر کردیم با کمک برخی از خیران مایحتاج مردم را تهیه کنیم و با قیمت کمتری در محله عرضه کنیم.» نودهی با اشاره به این موضوع ادامه می دهد: وقتی حادثه ای رخ می دهد، مردم نگران معیشتشان می شوند. در همان ایام بیست تن پیاز و شانزده تن سیب زمینی تهیه کردیم و به قیمت خیلی ارزان تر به مردم می دادیم. البته سعی می کردیم این اقلام را بین خانواده های تحت پوشش مسجد رایگان توزیع کنیم. بعد از آن ۱۲۰ کیلوگرم گوشت تهیه کردیم و به مردم نیازمند محله دادیم.

به گفته او توزیع کالا سبب شد مردم حس بهتری داشته و نگران تهیه معیشتشان نباشند و در فاصله ای کوتاه، زندگی به روال عادی برگردد. بسیاری از آن ها راه و رسم جهادگری را از سردار شهید محمد حسین بصیر یاد گرفته اند.

همان شب اول مردم به مسجد آمده بودند. برخی از کودکان و نوجوانان شوکه شده بودند و می پرسیدند حالا چه می شود. همان جابه این نتیجه رسیدیم که سخنرانی بین دو نماز در زمینه بصیرت افزایشی باشد و به مردم کمک کنیم که اطلاعات و اخبار درست جنگ را کسب کنند. قراقرامان این شد که هر شب بین نماز مغرب و عشاء در مسجد درباره اخبار جنگ صحبت کنیم. همان شب اول، خانه ای در هفتاد متری مسجد دچار حریق شد و کاملاً سوخت. تأمین نیروهای آتش نشانی، مردم با کپسول های خانگی سعی کردند آتش را خاموش کنند، اما نشد. ابتدا مردم از این حریق ترسیدند و برخی می خواستند درباره آن شایعه پراکنی کنند. اما اعتماد مردم محله به مسجد جوادالائمه^(ع) سبب شد موضوع را از پایگاه بسیج مسجد پیگیری کنند و در نهایت متوجه شدند یک حادثه بوده است. نودهی با ذکر این خاطره یادآور می شود: این حاصل اعتماد مردم به مسجد است.

همراهی مردم با بسیج

مردم سردرگم بودند و برخی به خاطر شهادت فرماندهان گریه می کردند. جمع و جور کردن این شرایط کار آسانی نبود. نودهی می گوید: همراهی جهادگران با مردم در روزگار کرونا سبب شده بود که آن ها به این تیم اعتماد داشته باشند و حرفشان را بپذیرند. با توضیحاتی که درباره شرایط جنگ می دادیم، مردم آرام شده بودند. به دلیل وجود جاسوس های داخلی از آن ها خواستیم موارد مشکوک را به ما اطلاع دهند تا پیگیری کنیم. در این مسیر خیلی با ما همراه بودند. به مردم گفتیم: خیالتان راحت باشد؛ شما استراحت کنید. بچه های بسیج و مسجد حواشان هست. ما مراقب محله هستیم. با گفتن این جمله، بسیاری از جوانان با ما همراه شدند تا خانواده هایشان در آرامش باشند.

اعتماد کردن مردم

«مردم به ما اعتماد دارند و هر گزارشی را به ما می دهند.» محمود جنگی با تأکید بر این موضوع ادامه می دهد: در محله ما اتباع زندگی می کنند. اکثر اتباع ساکن محله ما

زندگی جاری است

محله مشهدقلی به زبان خودمانی آخرشهر است و نقاط حاشیه ای زیادی دارد. محمود جنگی، یکی از فعالان فرهنگی این محله، می گوید: از نگاه برخی از مردم که شناخت چندانی از محله ندارند، در نقطه ای دور زندگی می کنیم، اما اهالی همدل و همراه هستند و در مشکلات یار و یاور یکدیگرند. برای همین در شرایط بحرانی خیلی هوای هم را دارند.

این عضو کانون شهید بصیر می افزاید: شرایط مادر آغاز جنگ درست مانند همان دورانی بود که کرونا شیوع یافت و مردم نمی دانستند چه کنند. در گروه جهادی شهید بصیر به این فکر افتادیم پیام رهبر انقلاب را مبنی بر استمرار زندگی مردم در شرایط جنگ اجرا کنیم و به مردم یادآور شویم زندگی جاری است. برای همین با مشورت دیگر اعضای کانون در زمینه بصیرت افزایشی تلاش کردیم.

اعتماد مردم به مسجد

ابوالقاسم نودهی، مسئول گروه جهادی شهید بصیر که دوران هشت ساله دفاع مقدس را درک کرده است، می گوید: طی این سال ها توانسته ایم مفاهیم ایثار، همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی را میان جوانان محله ترویج دهیم و بذر مشارکت را در دل مردم محله بکاریم. فرمانده پایگاه بسیج شهید عبدی ادامه می دهد:





مسجد هم با آن ها صحبت می کرد. او می افزایش: یکی دیگر از برنامه هایمان این بود که بعد از نماز مغرب، سوره ها و دعاها را تأثیرگذار برای پیروزی در این جنگ می خواندیم. اما آنچه بیشتر به چشم می آمد، حضور جوانان و نوجوانان در مسجد بود. آن ها به دنبال این بودند هر کاری از دستشان برمی آید، برای کشورشان انجام دهند.

مردم به هم اعتماد دارند



یکی دیگر از اعضای هیئت امنای مسجد، می گوید: خدا را شکر مردم محله مازندگی عادی داشتند و این را مدیون سخنان رهبر معظم انقلاب هستیم. مهدی جهان با اشاره به اینکه مردم این محله تجربه دوران کرونا را داشتند، ادامه می دهد: آن تجربه سبب شده است اعتماد به یکدیگر بیشتر باشد. همه می دانیم با بودن در کنار هم می توانیم مشکلات را رفع کنیم. در این ایام همدلی مردم ما بیشتر شده بود. همه می دانستیم باید در کنار نیروهای مسلح و پشت رهبری باشیم. برای همین هر کسی در حد توان خودش کمک می کرد.

نذری پر برکت عید غدیر

عید غدیر هم بهانه ای شد برای همدلی بیشتر مردم این محله. به گفته هیئت امنای این مسجد ۱۲ هزار نفر ساکن محله مشهد قلی هستند که روز عید غدیر به همه آن ها غذای گرم دادند. اول که می شنویم، باورش سخت است. اما وقتی ما جرأت تعریف می کنند، دوازدهمین نیست. نودهی برایمان تعریف می کند: مادر مسجد ۴ هزار غذا طبخ کردیم تا بین نمازگزاران توزیع کنیم. قبل از پخت غذا با اهالی هماهنگ کردیم و از آن هایی که دوست داشتند کمک کنند، خواستیم که در این راه با ما همراه باشند. خیلی ها داوطلب شدند غذا بپزند و در روز عید غدیر بین ساکنان کوچه خودشان توزیع کنند. در کوچه هایی که داوطلب نداشت، مسجد محله غذا توزیع کرد. همدلی ساکنان محله سبب شد غذای گرم در همه خانه ها توزیع شود.

پای کار آمدن جوانان و نوجوانان



مسئول هیئت امنای مسجد جوادالائمه (ع) که به جمع ما پیوسته است، جزو همان هایی است که از کودکی در مسجد حضور داشته است. او می گوید: طی هشت سال دفاع مقدس، خانم ها در مساجد جمع می شدند تا برای رزمندگان لباس بدوزند، قند بشکنند، آبمیوه بگیرند. الان نوع جنگ ها متفاوت شده است، اما باز هم مسجد اصلی ترین کانون است تا مردم در آن، گرد هم بیایند و برای بهتر شدن شرایط به هم کمک کنند. محمد محمدزاده ادامه می دهد: در این مدت، هر شب در مسجد جمع می شدیم و به واسطه افراد مطلع و آگاه به مردم گزارش درست می دادیم. امام جماعت

کار خیر ماندگار

یکی از رسم های زیبای این مسجد، صدقه جاریه اول ماه است که اهالی محله و دوستان و آشنا پانسان جمع می کنند. حدود چهار سال قبل متولیان مسجد به این موضوع فکر کردند که می توانند همان صدقه ماهیانه را به صورت مشترک جمع کنند و مرغ بخرند و بین نیازمندان تقسیم کنند. آن زمان سهم هر کسی که دوست داشت ۵۰ هزار تومان بود. اما الان با توجه به هزینه ها سهم هر نفر برای خرید مرغ ۲۰۰ هزار تومان است. نودهی می گوید: این صدقه جاریه همان مصداق، قطره قطره جمع گردد، است. در حال حاضر هر ماه بیش از ۳۰ میلیون جمع می کنیم و مرغ تازه می خریم که به دست نیازمندانش برسد. او یادآور می شود: با شروع این جنگ تحمیلی مردم پای کار آمدند و دوباره مبلغ ۳۰ میلیون تومان جمع شد و به خانواده های نیازمند مرغ دادیم. پوشی با نام «دوست خوب من» با همراهی مردم در این محله راه اندازی شد. خیلی های گفتند فرزندانمان از اخبار جنگ می ترسند و مانده بودند که چه کنند. جنگی می گوید: ما هم این مشکل را داشتیم و به فکر چاره برای رفع ترس کودکان بودیم. از آن ها خواستیم در شرایط کنونی احساساتشان را نقاشی کنند. حتی مسابقه گذاشتیم که بچه ها عکس موشک ها را برایمان بکشند تا به بهترین نقاشی ها جایزه بدهیم. همین رفت و آمد هایشان به مسجد برای مسابقه و نقاشی کشیدن ها سبب شده بود کمتر به جنگ و حواشی آن فکر کنند.



اهالی قدیمی احمدآباد از ساخت حسینه و مسجد حجتی اندشت می‌گویند

قصه وفاداری کاشانی‌ها به مسجد



مکان نما

صدرا حسینه و مسجد حجتی اندشت در خیابان عارف ۱۰ یکی از مکان‌های مذهبی قدیمی در محله احمدآباد است. اکثر ساکنان این محدوده اصالتاً کاشانی هستند و اوایل دهه ۲۰ به اینجا آمده و ساکن شده‌اند. زمین‌های این محدوده آن زمان بیشتر کشاورزی و باغ بوده است. هشتاد سال پیش، افرادی همچون سید علی میرنژاد، ماشاء... سالاری، ماشاء... کاشانی نژاد و رضا فرج در زمینی که حدوداً هشتاد متر بوده، سنگ بنای اولیه حسینه و مسجد حجتی اندشت را گذاشتند؛ مسجدی که نمازگزاران روی حصیر آن نماز می‌خواندند و مجلس عزاداری ابا عبد...^(۴) را برگزار می‌کردند. اهالی قدیمی محله بعد از پدران‌شان هنوز پای کار مسجد و برنامه‌هایش هستند و از هیچ کمکی دریغ نمی‌کنند.

تمام وقت در خدمت عزاداران ابا عبد...^(۴)

اینجا همه با جان و دل، کارهای مسجد را انجام می‌دهند. محمد علی سنجری یکی از آن‌هاست که آشپزی مراسم را بر عهده دارد و عضو هیئت امنای مسجد هم هست. او می‌گوید: پدران ما دست به دست هم دادند و مسجد ساخته شد و بعد هم ما با تلاش آن را بزرگ‌تر کردیم. به لطف خدا آشپزی مراسم را بر عهده داریم و ایام محرم، مسجد خانه ام می‌شود تا کاری از قلم نیفتد و امور آشپزی و پذیرایی از عزاداران بدون مشکل پیش برود. ناهار روز تاسوعا و شام شب عاشورا که جمعیت بیشتر است، نیاز به برنامه‌ریزی و هماهنگی بیشتری دارد ولی خدا را شکر اهالی همه برای کمک می‌آیند و تا به امروز همه چیز خوب پیش رفته است.



از زیرانداز حصیری تا بنای دو طبقه امروز

بعد از پایه گذاری مسجد توسط بنیان اولیه در دهه ۲۰، فرزندان‌شان هم پای کار آمدند و در سال‌های بعد با خرید زمین‌های اطراف، مسجد را بزرگ‌تر کردند. آجر به آجر مسجد با دست همین محلی‌ها بالا رفت و همه هزینه‌هایش را خودشان تقبل کردند. سید محمد میرنژاد که ۷۷ سال دارد، راه پدر را ادامه داده است و می‌گوید: سال ۱۳۳۸ مسجد برای اولین بار بازسازی شد. تا قبل از آن در خانه مرحوم رضا فرج که دیوار به دیوار مسجد بود، برای مراسم آشپزی می‌کردیم. بعد از فوت مرحوم، خانه او را خریدیم و مسجد را بزرگ‌تر کردیم. مسجد همچنان یک طبقه بود با سقف شیروانی، اما هنوز آشپزخانه نداشتیم و برای همین سراغ خانه آقای عاقبتی رفتیم و آنجا برای مراسم آشپزی می‌کردیم. به گفته آقا سید محمد مسجد بزرگ تر شده بود. اما هنوز نمازگزاران و اعضای هیئت حجتی اندشت فضای کافی برای برنامه‌ها نداشتند. او می‌گوید: برای همین اواسط دهه ۸۰ با تصمیم هیئت امنای با کمک محلی‌ها مسجد را خراب کردیم و بنای جدید آن را در زمینی به مساحت ۴۱۵ متر و در دو طبقه ساختیم. زیرزمین برای آشپزخانه، طبقه اول برای آقایان و طبقه دوم برای بانوان در نظر گرفته شد.

ساخت مسجد با کمک خیران و اهالی

محمد رضا عاقبتی، یکی از قدیمی‌ها که مداح نیز هست، می‌گوید: ساکنان قدیمی اینجا اکثر کاشانی هستند و کارها و امور مسجد تا امروز نسل به نسل بین اهالی چرخیده است. زمانی که قرار بود بنای جدید مسجد ساخته شود، همه ما پای کار بودیم. آجر به آجر و سیمان‌ش را خریدیم و روی هم گذاشتیم و به جز خودمان و خیران محلی، مؤسسه یا سازمانی پای کار نیامد. غلامعلی محمدی زاده یکی دیگر از قدیمی‌هاست. او اسم مرحوم مهدی کامران را می‌آورد که در ساخت بنای جدید مسجد بیش از نود شاخه آهن برای‌شان فرستاده و بتن سقف مسجد را هم تأمین کرده است. او می‌گوید: آقای کامران خودش از نمازگزاران مسجد توفیق بود، اما مسجد حجتی اندشت را هم می‌شناخت و طی صحبتی که هیئت امنای ما با او داشتند، از کمک به مسجد دریغ نکرد. بقیه اهالی هم در کارها شریک بودند. هر کس هر هنری داشت پای کار می‌آمد، از سیم کشی گرفته تا لوله کشی و بنایی.

فعالیت خودجوش بانوان در امور اجتماعی و فرهنگی

را حله ترابی، چهار سال است که فرمانده پایگاه بسیج خواهران شهیده واعظی است که در همه مناسبت‌های ملی و مذهبی برای بانوان برنامه دارد. برگزاری کلاس‌های آموزشی در حوزه خانواده، حلقه صالحین، جلسات قرآن و همچنین برپایی اردوهای مختلف سیاحتی و زیارتی از دیگر اقدامات این تشکل است. ترابی می‌گوید: در جنگ دوازده روزه اخیر، خانم‌ها خیلی پای کار بودند و برای نیروهای بسیجی که در محله گشت شبانه داشتند، غذا تهیه کردند. به گفته او بانوان اینجا همیشه به صورت خودجوش و بدون اینکه از آن‌ها درخواستی شود، خودشان پای کار می‌آیند. را حله خانم می‌گوید: خانم‌ها در امور خیر هم‌کاری می‌کنند و در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی پیش قدم هستند. آن‌ها هر چند ماه یک بار جهیزیه و سیسمونی زوج‌های جوانی را که به کمک نیاز دارند، در حد توان آماده می‌کنند.

هیئت به قدمت مسجد

ساکنان اطراف مسجد سال‌هاست که همدیگر را می‌شناسند و در مناسبت‌های مذهبی کنار هم هستند. مهم‌ترین دلیل این هم‌دلی مردم، هیئت حجتی اندشت است که قدمتی هفتاد ساله دارد. این هیئت تا قبل از بازسازی دوم و بزرگ‌تر شدن مسجد در اواسط دهه ۸۰، از سال ۱۳۳۰ هر هفته جمعه‌ها در خانه یکی از اهالی مراسم برگزار می‌شد. حسن عاکف، یکی از قدیمی‌ها و مسئول هیئت حجتی اندشت، می‌گوید: اوایل پدران ما سراغ هیئت‌های اطراف می‌رفتند، ولی بعد از مدتی تصمیم گرفتند خودشان دیگ مراسم عزاداری ابا عبد...^(۴) را راه بیندازند. حالا هر جمعه بعد از خواندن دعای ندبه در مسجد مراسم سینه زنی داریم. علت هم این است که تا محرم و صفر سال بعد سینه زنی منظم حفظ شود. این هیئت در همه مناسبت‌های مذهبی در مسجد برنامه دارد. اما برنامه‌های دهه اول محرم به صورت ویژه برگزار می‌شود. حسن آقا ادامه می‌دهد: جوان‌ترهایی که از محله رفتند و جای دیگر ساکن شدند، برای دهه اول محرم می‌آیند. بعد از برگزاری نماز و سخنرانی و خواندن زیارت عاشورا، مراسم روضه و سینه زنی شروع می‌شود و بعد هم باشام از عزاداران پذیرایی می‌کنیم و همه این امور به همت خود اهالی همچنان پابرجاست. روز تاسوعا و عاشورا هم جمعی حدود هزار نفر از محله به سمت حرم مطهر می‌رویم و بعد از زیارت و عرض تسلیت به امام رضا^(ع) به مسجد برمی‌گردیم و از عزاداران پذیرایی می‌کنیم.

حضور پررنگ اهالی در نماز صبح

یکی از ویژگی‌های مهم این مسجد، برگزاری نماز جماعت صبح با حضور عده زیادی از نمازگزاران است. وحید محبی فرد که از نمازگزاران و عضو هیئت امنای مسجد است، به همت و تلاش حجت الاسلام والمسلمین علیرضا کیخانی، امام جماعت جوان مسجد، اشاره می‌کند و می‌گوید: از وقتی که آقای کیخانی امام جماعت مسجد شدند، نماز صبح برپاست. علیرضا کیخانی، امام جماعت و فرمانده پایگاه بسیج شهدای اندشت نیز می‌گوید: گروهی در فضای مجازی تشکیل دادیم و آنجا از ویژگی‌ها و ثواب برپایی نماز صبح گفتیم و حضور اهالی پررنگ‌تر از قبل شد. یکی دیگر از ویژگی‌های این مسجد، حضور کودکان و نوجوانان در مراسم گوناگون است که با همت امام جماعت مسجد و همکاری بزرگ‌ترها میسر شده است.



کشتی گیر قدیمی محله فرامرزعباسی، خاطرات خوشی از روزگار جوانی اش دارد

زور بازویی برای علم گردانی

خوشحال است که در اوج جوانی به این آرزویش رسیده است. بایه یاد آوردن خاطره آن روز خاص می گوید: بالاخره نوبت به من رسید. علم بزرگ هیئت بردوش من بود و پیشاپیش بقیه به سمت قبرستان روستا حرکت می کردم. حس غرور و افتخار می کردم. در دوراهی روستا چند هیئت از روستاهای اطراف به ما پیوستند.

● ○ مدد خواستن از خود حضرت

آن طور که می گوید، آن زمان رسم بوده است که هیئت ها علم خودشان را با هم تعویض می کرده اند و این اتفاق برای او هم افتاده است: «بالمس علم احساس کردم که خیلی سنگین تر از علم روستای خودمان است و اصلانمی توانم حرکت کنم. هنوز چند صد متری هم تا قبرستان مانده بود. آبروی خودم و اهل روستا در خطر بود. از صاحب علم، حضرت ابو الفضل^(ع)، مدد خواستم و حرکت کردم. هر طور بود خودم را به قبرستان رساندم و علم را بر زمین گذاشتم. یعنی آن روز، هم علم بزرگ روستای خودمان و هم علم روستای مجاور را که سنگین تر و بزرگ تر از علم هیئت خودمان بود، حمل کردم.» به اینجای ماجرا که می رسد، پس از این همه سال کمی بغض می کند: «حضرت ابو الفضل^(ع) آبرویم را خرید و تا آخر عمر نوکرش هستم. بعد از آن سال، چند محرم دیگر نیز علم بزرگ هیئت در دستم بود، اما این افتخار دوام چندانی نداشت. جوان های بسیاری آرزوی بردوش کشیدن علم بزرگ را داشتند و باید آن ها هم لذت آن را می چشیدند.»

شیرینی داشت، به گفته خودش بزرگ ترین افتخار، علم کشتی در هیئت روستا بود. اصلاً او کشتی را برای این می گرفت که قوی تر بشود و بتواند علم بزرگ روستا را بردوش بکشد. تعریف می کند: روستای مایک علم بزرگ چوبی داشت که طوق فلزی اش بادستمال های رنگی و نماد های عاشورایی تزیین شده بود. چندتا علم کوچک هم بود. نوجوان های روستا از حمل علم های کوچک شروع می کردند و اگر شانس می آوردند، یک روز علم بزرگ هیئت را بردوش می گرفتند. آرزویم این بود که یک روز این علم را بردارم؛ برای همین کشتی می گرفتم تا قوی تر شوم.



حسین برادران فرامتلد روستای گناباد است، درس چندانی نخوانده اما از زمانی که یادش می آید در مزرعه و سر زمین کشاورزی کار کرده است. کار سخت از او جوانی ورزیده و قوی می سازد و پیش رابه گودهای کشتی محلی باز می کند. همین می شود که کشتی، بخش مهمی از زندگی و خاطرات او را می سازد. این خاطره های ورزشی گاهی با بخش های دیگری از زندگی او پیوند می خورد و حالا آقا مرتضی کاملی به عنوان شهروند قدیمی و سالمند محله فرامرزعباسی یکی از آن خاطرات را بر ایمان تعریف می کند.

● ○ کشتی برای من جنبه تفریحی داشت

تنها تفریح سالم برای یک نوجوان روستایی در هفتاد سال قبل، کشتی گرفتن بوده است و خیلی از نوجوان ها دوست داشتند در گود کشتی دست و پنجه نرم و واسم و آوازه ای پیدا کنند. این ها را آقا مرتضی تعریف می کند و در ادامه می گوید: البته کشتی گرفتن برای من بیشتر جنبه سرگرمی و تفریح داشت؛ هر چند در گودهای کشتی محلی روستای خودمان و روستاهای اطراف حاضر و چند مرتبه هم تشویق شدم و جوایزی بردم. کشتی گرفتن در عروسی ها نیز از رسوم آن زمان بود. هر جادر روستاهای اطراف مراسم عروسی برپا بود، آقا مرتضی نیز حضور داشت و کشتی می گرفت.

● ○ علم کشتی هیئت روستا

هر چند کشتی گرفتن در گود کشتی و حتی بردن قند، زیر زبان مرتضی جوان مزه

نوجوان نقاش و تکواندوکار محله گوهرشاد در انتظار برگزاری کلاس های تابستانی است

تجربه خوب آموزش



کردم و خوشبختانه کلاس خوبی هم داشتیم. تجربه مربیگری برایم خوشایند بود. به آن ها پیشنهاد دادم امسال هم این کلاس را برگزار کنم.

● ○ علاوه بر نقاشی، تکواندو هم کار می کنی.

چه شد سراغ این رشته رفتی؟

پنج ساله بودم که چند ماه به کلاس های تکواندو رفتم، اما باشگاه تعطیل شد و نتوانستم آن را ادامه دهم. پنج سال پیش باشگاهی در نزدیک خانه کارش را شروع کرد و من هم دوباره سراغ رشته دلخواهم رفتم و آنجا ثبت نام کردم.

● ○ چه سبکی کار می کنی و چه کمربندی داری؟

به مبارزه علاقه ندارم و سراغ سبک پومسه رفتم. انجام حرکات تمرینی با حریف خیالی برایم لذت بخش تر از مبارزه با حریف واقعی است. اکنون دان یک این رشته را دارم.

● ○ چرا در مسابقات شرکت نکردی؟

علاقه زیادی به شرکت در مسابقات ندارم. هفتم از ورزش سلامتی است و هنر را هم برای حس آرامشی که دارد، دنبال می کنم.

● ○ ورزش و هنر چه تأثیری در زندگی ات گذاشتند؟

با ورزش اعتماد به نفسم بیشتر شده است و جسم سالم و روح شاداب تری دارم. زمان کشیدن نقاشی علاوه بر احساس آرامش، چند ساعتی به هیچ چیز فکر نمی کنم. این دو در کنار هم کمک کردند تا زندگی شادی داشته باشم.

● ○ چه برنامه ای برای آینده داری؟

در مقطع تحصیلات تکمیلی قصد دارم رشته حقوق بخوانم و در کنار آن ورزش و آموزش نقاشی را ادامه بدهم.

ولی این احساس را به آن ها ندارم. به نظر من، نقاشی با مدارنگی جلوه بیشتری دارد و به حقیقت نزدیک تر است.

● ○ معمولاً چه طرح هایی را انتخاب می کنی؟

به کشیدن چهره علاقه زیادی دارم و طرح راز فضای مجازی انتخاب می کنم.

● ○ چرا سراغ آموزش رفتی؟

تابستان پارسال مادرم گفت خیمه الا انتظار در محله هنرور کلاس های تابستانی مختلفی برای کودکان برگزار می کند. یکی از دوستان مادرم پیشنهاد کرد من هم برای دختران علاقه مند به نقاشی، کلاس برگزار کنم. قبول

● ○ چه شد که سراغ نقاشی رفتی؟

آن طور که مادرم می گوید، از همان کودکی به نقاشی علاقه داشتم. هر جا برگه کاغذ یا حتی دستمال کاغذی پیدا می کردم، مادری برمی داشتم و رویش نقاشی می کشیدم. از شش سالگی به بعد نقاشی هایم بهتر شد و مادر که علاقه داشت تا اقامت رادید، تابستان ها در کلاس های نقاشی ثبت نام می کرد. از دو سال پیش هم در کلاس های آموزش نقاشی با مدارنگی ثبت نام کردم و این هنر را جدی تر دنبال می کنم.

● ○ چرا سراغ تکنیک

مدارنگی رفتی؟

تصاویری که با مدارنگی می کشم، روح دارد. سیاه قلم یا حتی رنگ روغن را امتحان کردم،





مسجد قائم آل محمد^(عج) سال ۱۴۰۰ توسط اهالی روستای «کنگ» از روستاهای شهرستان طرقبه و شاندیز ساخته شد. کنگی‌های مقیم مشهد مراسم مذهبی خود را در این مسجد برپا می‌کنند.



مسجد محسن بن علی^(ع) توسط بازاریان و فروشندگان میوه بازار فتح آباد، حدود شصت سال قبل ساخته شد. بازاریان در کنار خواندن نماز جماعت در این مسجد، مراسم مختلف مذهبی به ویژه عزاداری‌های ماه محرم و صفر را برگزار می‌کنند.



گل فروش‌های خیام شمالی ۴۰
بیش از ۲۵ سال است به این خیابان آمده‌اند

معبری بابوی گل‌ها

حسین برادران فراخیام شمالی ۴۰ که مسیر ورودی به بازار گل مشهد است، تا چهل سال قبل به بازار «فتح آباد» معروف بود و در آن، محصولات کشاورزی و باغی تولیدی روستاهای اطراف مشهد به فروش می‌رسید. به گفته کاسبان قدیمی بازار میوه، بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ با تأسیس بازار سپادو انتقال میوه فروش‌ها به آن، این محل به بازار گل فروش‌ها تبدیل شد. تعدادی از گل فروش‌های قدیمی این بازار در گذشته جزو کسبه میوه فروش بوده‌اند.



مجتبی رجب‌پوری یکی از گل فروش‌های قدیمی این خیابان است. به گفته او مرحوم پدرش، حاج رمضان علی رجب‌پور، در این خیابان مغازه میوه فروشی داشته است و در سال ۱۳۷۸ از اولین‌هایی بود که در این بازار مغازه گل فروشی افتتاح کردند.



عکس: فقیهه فرخی/شهرآرا

در اصلی ورود به بازار گل در همان ابتدای کوچه قرار دارد و در این بازار بیش از سیصد غرفه تولید و فروش گل دیده می‌شود که در شرق کشوری نظیر است.